

۲-۳. حماسه رستم و سهراب، گزینش و شرح منصور رستگار فسایی، چاپ دوم، تهران، انتشارات جامی، ۱۳۷۴.

یکی از گزیده های داستان رستم و سهراب کاری است که به اهتمام منصور رستگار فسایی منتشر شده است. این کتاب مقدمه نسبتاً خوبی درباره «حماسه» و «ساختار حماسه» دارد و در آن از منابع معتبر بهره گرفته شده است. مؤلف ضمن معرفی حماسه های مشهور جهان، شرحی نیز درباره مفاهیم «اسطوره» و «تراژدی» داده است. در بخش شرح لغات و اصطلاحات و تفسیر ابیات داستان، از برخی مآخذی که تاکنون درباره داستان رستم و سهراب نگاشته شده، استفاده کرده است.

در این اثر عرضه فهرست اعلام و اماکن و واژگان در پایان کتاب در حالت کلی «حماسه رستم و سهراب» از لحاظ حجم و تفصیل مطالب، متناسب با ۲ واحد درس رستم و سهراب که باید در یک ترم، از دوره کارشناسی رشته زبان و ادب فارسی تدریس شود، نیست اگر بعضی از بخش های داستان نظیر برخی از منتخبانی که از داستان رستم و سهراب تاکنون طبع و نشر شده، تلخیص گردد و یا به صورت نثر نگاشته شود، مناسب تدریس ۲ واحد درس در یک ترم خواهد بود. درباره این اثر به نکاتی اشاره می شود که می تواند در تجدید چاپ مطمح نظر قرار گیرد:

۱. در قیاس با بحث‌های نسبتاً مفصلی که در صفحات ۲۴ تا ۴۵ در مورد حماسه معروف جهان از جمله حماسه و اساطیر بابلی و سومری، حماسه گیل گمش (ص ۲۹-۳۲) و *مهابهاراتا و رامایانا* (ص ۳۲-۳۴) و *ایلیاد و ادیسه* هومر (ص ۳۵-۳۷) و غیره... شده است، اشاره دو سطری به حماسه‌های دینی در قلمرو ادبیات فارسی (در ص ۱۴) قابل تأمل و انتقاد است؛
۲. مأخذ دو بیتی که در ص ۱۶ از شاهنامه نقل شده، عرضه نگردیده است؛
۳. در بخش معرفی *رامایانا و ایلیاد و ادیسه هومر* مأخذ مورد استفاده مؤلف مشخص نیست. مخصوصاً در مواردی نظیر آنچه در صفحه ۳۵ (سطر ۵ و ۶) از قول هردوت نقل کرده است که «هردوت معتقد است هومر حدود ۸۰ سال پیش از میلاد زندگی می‌کرده» مشخص نیست مؤلف این مطلب را از کجا اتخاذ کرده است و مطلبی را که در صفحات ۳۵ و ۳۶ درباره ایلیاد، از کتاب *انواع ادبی* تألیف دکتر سیروس شمیسا نقل کرده، درست به نظر نمی‌رسد؛ زیرا این کتاب خود از منابع دیگری در تدوین این مبحث استفاده کرده است و به عنوان مأخذ اصلی نمی‌تواند در تحقیقات مورد استناد واقع گردد؛
۴. در صفحات ۳۷ و ۳۸، مأخذی که از آن در معرفی *انه ئیدو ویرثیل* استفاده شده معلوم نیست؛
۵. گیومه‌ای که در سطر ۱۹ صفحه ۳۸ باز گردیده، تا آخر مطلب بسته نشده است. لذا این سؤال پیش می‌آید که آیا مؤلف، از اینجا تا پایان صفحه ۴۰ همه مطالب را از دو کتاب *مازهای راز و رویا، حماسه و اسطوره* نقل یا تلخیص کرده است یا نه؟

۶. یکسان نبودن یا دوگانگی و مخلوط بودن تاریخ‌های میلادی یا هجری در صفحه ۴۴ (سطرهای ۶ و ۹، ۱۱) موجب سرگردانی خواننده می‌شود، این موضوع کم و بیش در برخی صفحات مقدمه کتاب نیز دیده می‌شود؛
۷. در صفحه ۴۴، سطر ۱۱ حماسه بحتتری درست است و در متن باید اصلاح شود؛
۸. در صفحه ۵۳ (سطر ۶) و صفحه ۵۴ (سطر ۲ و ۳) دیوان شرقی و غربی کوتاه درست است و در متن باید اصلاح شود؛
۹. از دیدگاه‌های سه‌گانه‌ای که مؤلف در صفحات ۴۶ تا ۶۸ درباره داستان رستم و سهراب نقل کرده است، نظر و نوشته مرحوم مجتبی مینوی قابل توجه و در خور مطرح کردن است و ذکر دو نوشته دیگر ضرورتی ندارد؛
۱۰. از نکته‌های قابل توجه در داستان رستم و سهراب، وصف دیدار تهمینه با رستم در خوابگاه او و پیشنهاد تهمینه به ازدواج با رستم است که مورد قبول جهان پهلوان شاهنامه قرار می‌گیرد و آنچه در این رخداد مبین پاکدامنی قهرمانان شاهنامه و همچنین سراینده این اثر حماسی است، ازدواج آیینی این دو نفر است که با آگاهی و رضایت پدر تهمینه انجام می‌گیرد و موبدی، نیمه شب آن دو را عقد می‌کند؛ اما شارح محترم در دو جا اصرار دارد که ابیات حاوی چنین معنایی، الحاقی است، یکی در پاورقی صفحه ۶۴ که این گونه اظهار داشته است: «در این ازدواج‌های اعصار قدیم رضایت طرفین از برای رسمی بودن ازدواج کافی بود، و این گفته که در وسط شب موبد آوردند تا تهمینه را به رستم عقد بندد از الحاق‌های دیگران به اصل قصه است». و دیگر در سطر اول

صفحه ۴۸ در توضیحی که در داخل پرانتز برنوشته مرحوم مجتبی مینوی نوشته، به نوعی چنین ادعایی کرده است:

«آن شب آن دو تن پیوند زناشویی (به رضایت طرفین فقط) می‌بندند و با هم می‌خسبند» کاربرد قید «فقط» در جمله داخل پرانتز نظر شارح می‌باشد و مبین عدم توجه او به سنت الهی ازدواج بر پایه موازین شرع بوده، بی‌گمان قبول نظر شارح از اعتبار و قداست داستان و پاکدامنی رستم و ته‌مینه می‌کاهد و طبعاً تدریس متن داستان به صورت مذکور برای جوانان آموزنده نخواهد بود؛

۱۱. در صفحه ۶۵، سطر ۸ عبارت صحیح این گونه است: «او را همراه خویش برده بود تا به اخترشناسان نشان بدهد»؛

۱۲. در زیر ابیات ۳ تا ۵ داستان که شارح در صفحه ۷۲ شرحی در مورد داد بودن مرگ عرضه کرده است، جا داشت درباره مرگ از دیدگاه اسلام و اینکه مرگ در واقع نیستی مطلق انسان نمی‌باشد، بلکه وسیله‌ای است که حیات ناپایدار این دنیای فرزندان آدم را به جهان باقی پیوند می‌دهد، همچنین در مورد مفهوم «أنا لله و انا الیه راجعون» توضیحاتی می‌داد؛

۱۳. با وجود آنکه شارح حماسه رستم و سهراب در صفحه ۸۴ سطر ۲۴ و ۲۵ به هنگام معرفی نام پادشاه شهر سمنگان، از کتاب داستان رستم و سهراب به کوشش جلیل دوستخواه استفاده کرده و بدان استناد جسته است، اما نام این اثر را در فهرست منابع و مآخذ کتاب خود در صفحه ۲۳۹ ذکر نکرده است؛

۱۴. در فهرست منابع و مآخذ «حماسه رستم و سهراب» برخی از مآخذ ناقص معرفی شده‌اند که به عنوان نمونه محل چاپ، سال چاپ، نام انتشارات در بعضی موارد ذکر نشده است.